

## فناوری روی خاک سفالگری



که در کوره می‌افتد قابل پیش‌بینی نبود. اگر دما کمی بالا و پایین می‌شد و یا برق قطع می‌شد کاری که تا مرحله نهایی رفته خراب می‌شد و هیچ خروجی نداشتیم. در این میان اگر کوره یا صفحه کوره هم آسیب می‌دید که دیگر حسابی کار ما درآمده و کلی خرج هم روی دست می‌گذاشت. اما با تمام این سختی‌ها من تصمیم گرفتم پای کاری که به آن علاقه دارم بمانم. به نظرم چیزی که آدم را پای کار نگه می‌دارد عشق است؛ عشق به هنر و علاقه به آن. مایک گروه هنرمندیم که با ایده‌های مختلف در کنار هم جمع شده‌ایم و کار ما حاصل همین گروه بودن است. الان پانزده نفر خانم به صورت حضوری در کارگاه کار می‌کنند که کارهای مختلف از قالب‌زنی تا نقاشی روی کارها را انجام می‌دهند. چهار نفر نقاش، سه نفر برجسته‌کار، سه نفر پرداخت‌کار و سه نفر ریخته‌گری می‌کنند. پانزده نفر غیر حضوری در خانه برایم عروسک دست‌ساز می‌زنند که همه خانم هستند و ۹ نفر هم بازاریاب داریم که همه آقا هستند و فروش کارها در تمام کشور و به‌ویژه در نمایشگاه‌های مختلف بوده است. در کنار کار آموزش هم برای من مهم بوده و خیلی از همکارانم از شاگردانم هستند. در این‌گونه مشاغل بیشتر حمایت از سمت کارآفرینان است و گرنه که حمایت دولتی وجود ندارد. دلت می‌سوزد چون کار از خودت است.



فاطمه احسانی، متولد سال ۱۳۶۹ است. علاقه به هنر ذاتی است و از کلاس چهارم ابتدایی نقاشی را به صورت حرفه‌ای شروع و کلاس‌های آن را گذرانده است. در دبیرستان هنر خوانده و رشته دانشگاهی او صنایع دستی است. احسانی در ۷۰ رشته هنری از قبیل شاخه‌های مختلف نقاشی، دکوپاژ، قلم‌زنی، حکاکی و دیگر رشته‌ها تخصص و مدرک دارد و تاکنون در سطح کشور به ۳ هزار نفر، پانزده شاخه هنری را آموزش داده است.

او پس از تجربه رشته‌های مختلف هنری در نهایت تصمیم گرفته روی سفال کار کند و خلاقیت و نوآوری ویژه او که در رقابت با کالاهای مشابه خارجی است، تولید سفال سبک است. می‌گوید: به نقاشی علاقه داشتم. اولین تابلو رنگ روغن را در دوران ابتدایی و کلاس چهارم کشیدم که آن را هنوز روی دیوار کارگاه دارم. بعد از اینکه رشته‌های مختلف هنری را تجربه کردم تصمیم گرفتم به صورت جدی وارد کار سرمایه‌گری شوم. به نظرم رسید که همه رشته‌ها را در سرمایه‌گری می‌توان خلاصه کرد و نشان داد. جای خلاقیت زیاد داشت و می‌شد هنر را در کالای مصرفی به نمایش گذاشت. طراحی سنتی، نقاشی، عروسک‌سازی و دیگر هنرها را در سرمایه‌گری می‌توان آورد و خروجی‌های زیبایی گرفت. این شد که از سال ۹۶ به صورت جدی وارد کار شدم. اوایل در فضای کارگاهی، کارآموزی کردم. بعد از مدتی کار شراکتی و الان هم مستقل شده‌ام.

احسانی در ادامه می‌افزاید: کلی کار خراب کردم تا بالاخره به نتیجه رسیدم. بیشتر کارهای خراب شده را هنوز دارم. از طرفی اتفاقاتی

## گام‌های کوچک دستاوردهای بزرگ



کلی داشتم. کار خوب پیش می‌رفت، ولی سال ۹۷ با افت روبه‌رو شد. من باردار بودم، مراسم خواستگاری دختر بزرگم بود. فشار کار زیاد بود. تلگرام را بستند و مخاطب ما از ۲۲۰۰ تا به ۲۰۰ نفر درآینا رسید. چون اعتقاد دارم استفاده از فیلتر شکن صحیح نیست ایتا را جایگزین کردم. افت کردیم و سخت بود ولی رشد کردیم. کار وقتی برای رضای خدا باشد، خدا آدم را رها نمی‌کند. آن فشارها و سختی‌ها برای من خیلی خوب بود و باعث نیروسازی شد. الان بچه‌های کارگاه به جایی رسیده‌اند که اگر من هم نباشم، کارشان پیش می‌رود. بعد از این اتفاقات ما به لطف خدا به کار خود ادامه دادیم و کانون فرهنگی، آموزشی و کارآفرینی مانده که هم نام دخترم است راه‌انداختیم. بعد از آن هر دو سال یک بار سایش‌ها را افزایش دادیم.

این بانوی دغدغه‌مند با هدف تغییر در فضای جامعه کار خود را شروع می‌کند. اعتقاد او این است که تولید وظیفه اوست و رزق و روزی را خدا باید برساند. با این اعتقاد هیچ وقت به دنبال اقتصادی کردن کار خود نرفته و بیش از درآمد به دنبال تأثیر بوده است. تأثیری که بتواند برسبک زندگی یک دختر ایرانی خود را نشان دهد و حیا بیافریند. با همین نگاه تاکنون برای ۳۷ نفر حضوری و غیر حضوری فضای اشتغال ایجاد کرده است. خودش می‌گوید: برکت باید محور کارهای ما باشد. تولید وظیفه من است و رزق و روزی را خدا می‌دهد. چون به دنبال تأثیر فرهنگی در جامعه بودم همیشه سود کم را معیار قرار دادم. در ایام کرونا که همه کارشان را از دست دادند کار من دو برابر شد. اعتقاد دارم که ما نسبت به هم وظیفه داریم و یک تأثیر هر چند کوچک باید روی هم بگذاریم. از این فعالیت هیچ وقت به دنبال تأثیر اقتصادی در زندگی خودم نبوده‌ام بلکه دنبال یک فعالیت فرهنگی‌ام و معتقدم هر تهدیدی را می‌توان به فرصت تبدیل کرد.

جمیله سیبویه از آن زنانی است که دغدغه فرهنگی او را پای کار اقتصادی کشانده و دست به تولید زده است. تولیدی که بتواند پوششی مناسب برای دختران خرد و نوجوان ایرانی باشد و از تن کردن آن لذت ببرند. شروع ماجرا از سال ۹۵ و از زمانی است که او مادر دختری دو ساله است و لباسی مناسب برای بچه‌اش در بازار پیدا نمی‌کند. همین پیدانکردن‌ها را با ذوق و خلاقیت خود گره می‌زند و دست به کار می‌شود. باتکه پارچه‌هایی که در خانه دارد برای دخترش لباس می‌دوزد و تمجید و تشویق اطرافیان باعث می‌شود این دوخت و دوزها را ادامه دهد. او درباره شروع به کار خانگی‌اش می‌گوید: کار را با ۱۰ تا نیم متر پارچه شروع کردم. پیراهن برای بچه‌های سه تا چهار ساله طراحی کردم و دو ختم. تن دخترم کردم و عکس گرفتم و برای فروش در دیوار گذاشتم. به هفته نرسیده فروخته شد. احساس کردم عده زیادی هستند که مثل من دنبال لباس‌های مناسب هستند. ادامه دادم. این بار پارچه‌های ۱۰ متری خریدم. برادرم علی آقا و دختر بزرگ‌ترم هم کمکم می‌کردند. روزی پنج لباس می‌دوزدم. دخترم عکاسی می‌کرد و برادرم کانالی در تلگرام زده بود و کارهای فروش را انجام می‌داد. تقریباً بعد از سه ماه یک خانه کوچک ۴۰ متری را برای کارگاه اجاره کردم. یکی از آشنایان برای این کار ۲۰ میلیون تومان به من قرض داد. دو نفره کار را شروع کردیم. چرخ خودم را از خانه آوردم و یک چرخ دیگر هم گرفتم. دو سال آنجا بودیم و در این مدت چهار چرخ خریدم و هفت نفر شدیم. لباس‌های دخترانه تا هفت سال تولید می‌کردیم. همان سال اول کارهایم رفت تهران و مشتری